

جامع الحکایات

[براساس نسخه‌ی آستان قدس رضوی]

به کوشش

نگاه خدیش و محمدی جعفری (قنواتی)

سرشناسه	: خدیش، پگاه، گردآورنده
عنوان و نام پدید آور	: جامع الحکایات [بر اساس نسخه آستان قدس رضوی]
مشخصات نشر	: به کوشش پگاه خدیش، محمد جعفری (قناتی)، تهران: مازیار، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	: ۷۶۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۷۶-۹۷-۹
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: افسانه‌ها و قصه‌های ایرانی
شناسه افزوده	: جعفری قناتی، محمد ۱۳۳۷ -، گردآورنده
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۹ ج ۲ خ/۳۷ PIR۳۹۹۳
رده‌بندی دیوبی	: ۳۹۸/۲۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۱۰۰۹۴۴

مقالات مازیار

www.mazyarpub.com

مقابل دانشگاه تهران، ساختمان ۱۴۳۰ طبقه اول، پلاک ۴، تلفن ۶۶۴۶۲۴۲۱

جامع الحکایات

(بر اساس نسخه‌ی آستان قدس رضوی)

به کوشش پگاه خدیش، محمد جعفری (قناتی)

شمارگان ۱۲۰۰

چاپ اول ۱۳۹۰

حروفنگار نسرین قدرتی

طرح جلد آتلیه گرافیک تردید

لیتوگرافی خاورمیانه

چاپ واژه

صحافی خوش قامت

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۷۶-۹۷-۹

حق چاپ محفوظ است

فهرست مطالب

۹		مقدمه
		حکایت اول
۱۹		داستان ملک محمد و صنم گلزار
		حکایت دوم
۳۱		در قصه شهریار با دختر عم و بیان آنچه بر سر ایشان گذشت
		حکایت سیم
۴۳		در قصه عظیم بصره‌ای با دختر داود یهودی و بیان حالاتی چند که در بیان...
		حکایت چهارم
۵۸		در قصه فرخ جواهری با فرخنده بانو دختر پادشاه دیلمان و احوالات ایشان
		حکایت پنجم
۶۴		در قصه شاهزاده قاسم پسر اقباس شاه، پادشاه ختا و عاشق شدن بر...
		حکایت ششم
۷۶		در قصه درویش ادهم با مشک افروز دختر پادشاه فارس و شرح احوال ایشان
		حکایت هفتم
۸۳		در قصه شیخ محمود پسر شیخ علاءالدوله سمنانی و شرح احوال او
		حکایت هشتم
۹۴		در قصه مسعود پسر خواجه سعید و رفتن او به شهر بنفش یوشان...
		حکایت نهم
۱۰۰		در قصه جوان طالب علم و کنیزکی که بر وی عاشق بوذ و احوال ایشان
		حکایت دهم
۱۰۳		در قصه شاهزاده هرمز پسر فیصر روم و عاشق شدن بر...

- حکایت یازدهم
 ۱۴۸ در قصه‌ی شاهزاده بهرام پسر پادشاه روم و عاشق شدن...
- حکایت دوازدهم
 ۱۷۳ در قصه‌ی ابوالعلائی کرمانی و مختار پسر او و آنچه بر...
- حکایت سیزدهم
 ۱۸۲ در قصه‌ی شیرزاد و شمشه بانو و کامل وزیر و شیر زرین و...
- حکایت چهاردهم
 ۱۹۸ در قصه‌ی شاهزاده مهر پسر پادشاه مشرق و عاشق شدن بر...
- حکایت پانزدهم
 ۲۲۷ در قصه‌ی سلیم جوهری با حجاج بن یوسف ملعون و سرگذشت...
- حکایت شانزدهم
 ۲۴۷ در قصه‌ی حبیب عطار و ساحر و طلسمات او
- حکایت هفدهم
 ۲۵۷ در قصه‌ی پسر خواجه سعید، محمدنام و قحطی شدن در مصر و...
- حکایت هجدهم
 ۲۸۵ در قصه‌ی جهان افروز دختر پادشاه چین و عاشق شدن به...
- حکایت نوزدهم
 ۳۱۴ در قصه‌ی عاشق شدن پادشاهزاده و باغبان بچه بر دختر زاهد...
- حکایت بیستم
 ۳۲۰ در قصه‌ی پسر پادشاه کرمان و اراده‌ی سفر کردن و...
- حکایت بیست و یکم
 ۳۲۳ در قصه‌ی خور پیروز و فرخ روز پسران دهقان و دشمنی کردن...
- حکایت بیست و دویم
 ۳۳۱ در قصه‌ی تیمم بن حبیب الداری انصاری و مجاهداتی که بر سر او...
- حکایت بیست و سیم
 ۳۵۷ در قصه‌ی شاهزاده نیاز پسر پادشاه قباد و عاشق شدن بر...
- حکایت بیست و چهارم
 ۳۸۶ در قصه‌ی حامد پسر خالد جوهری که بعد از فوت پدر...

[روایت دوم]

- حکایت بیست و پنجم
 ۴۲۷ در قصه‌ی دزد و قاضی بغداد و مباحثه کردن دزد با قاضی و...

- ۴۳۶ حکایت بیست و ششم
در قصه‌ی مرد لشکری و زن صالحه‌ی او و رفتن مرد لشکری...
- ۴۴۲ حکایت بیست و هفتم
در قصه‌ی امیرزاده‌ای که از برادر خود که پادشاه شده...
- ۴۴۷ حکایت بیست و هشتم
در قصه‌ی احمد و شاهزاده محمود و جوانمرد کاروان و رفتن...
- ۴۵۹ حکایت بیست و نهم
در قصه‌ی بختیار و ده وزیر و فرخ سوار و دشمنی کردن...
- ۴۸۶ حکایت سی‌ام
قصه‌ی پادشاه مصر و آوازه‌ی هزارگیو شنیدن و رفتن وزیر و...
- ۵۱۳ حکایت سی و یکم
در قصه‌ی مهر و وفا و عشق‌بازی ایشان با یکدیگر و جدانشدن...
- ۵۲۴ حکایت سی و دوم
در قصه‌ی ابوالفوارس ملاح و در چاه گذاشتن خواجه‌ی بازرگان...
- ۵۳۳ حکایت سی و سیم
در قصه‌ی پسر پادشاه مشرق و دختر پادشاه مغرب که حق تعالی...
- ۵۴۹ حکایت سی و چهارم
در قصه‌ی شاهزاده‌ی ایران و در خواب دیدن او دختر پادشاه روم...
- ۵۸۱ حکایت سی و پنجم
در قصه‌ی خواجه‌ی تاجر و پسر وزیر و برهمن و طوطی و نجار و...
- ۵۸۵ حکایت سی و ششم
در قصه‌ی بازرگان احمد و زن مکاره‌ی او که در ولایت نیشابور...
- ۵۹۰ حکایت سی و هفتم
در قصه‌ی خواجه فرعی و پارسایی کردن زن خواجه مسعود...
- ۵۹۴ حکایت سی و هشتم
در قصه‌ی رأی کامرو و معالجت طوطی و مثل آوردن و احوالات ایشان
- ۶۰۰ حکایت سی و نهم
در قصه‌ی پسر پادشاه و زن او و گریختن آن زن و پشیمان شدن...
- ۶۰۵ حکایت چهل
در قصه‌ی زرگر و نجار و مصاحبت ایشان با یکدیگر و آشنایی چندساله...
- ۶۱۰ حکایت چهل و یکم
در قصه‌ی ملک‌زاده‌ی بنی‌اسرائیلی و فرستادن پدر او را به تجارت...

شیوه‌ی داستان‌پردازی و روایتگری

بیشتر افسانه‌ها با عبارت‌های کلیشه‌ای قصه‌گویان آغاز می‌شود و در برخی از این عبارت‌های آغازین مؤلف به این نکته اشاره می‌کند که داستان را از جامع‌الْحکایات نقل می‌کند: «راویان اخبار و ناقلان آثار و طوطیان شکرشکن شیرین‌گفتار در جامع‌الْحکایات چنین روایت کرده‌اند که...» (حکایت ۱۷، ۳۱، ...). البته گاه این مطلب در جملات ابتدایی نیامده و داستان یا حکایت به سادگی با امثال چنین جملاتی شروع می‌شود: «راویان سخن و نقالان کهن چنین آورده‌اند که...» (حکایت ۳، ۴، ۳۹، ...). جملات پایانی حکایت‌ها نیز تقریباً همه یکسانند و با درخواست دعای خوانندگان و شنوندگان برای مؤلف و صاحب کتاب پایان می‌پذیرند: «صدهزار آفرین خدای بر نویسنده و خواننده و شنونده و مؤلف و صاحب کتاب باد و بر آن مؤمن و موحدی که گوید آمین یا رب العالمین». در برخی افسانه‌ها، شیوه‌ی روایت نشانگر آن است که کاتب یا مؤلف، داستان را از زبان قصه‌گویی شنیده و آن را دقیقاً با همان تعبیرات و اصطلاحات رایج نقالان و قصه‌گویان نوشته است، اصطلاحاتی از قبیل «القصة»، «آن‌ها را در راه بگذار و دو کلمه از فلانی بشنو»، «دو کلمه از رکابدار بشنو»...

نکته‌ی جالب دیگر آنکه در معدودی از حکایت‌ها با تغییر زاویه روایت روبرو می‌شویم، از جمله حکایت‌های ۳۱ و ۳۲ که روایتی نقل داستان چندبار از دانای کل به اول شخص تغییر می‌کند.

طرح برخی از حکایت‌ها ضعیف و سست است و آن‌ها را می‌توان صرفاً مجموعه‌ای حوادث و رویدادهای تکرارشده‌ی دانست که میان عاشق و معشوق فاصله می‌اندازند و داستان را طولانی‌تر می‌کنند بدون آنکه بر جذابیت داستان بیفزایند (حکایت ۳۱). در مقابل طرح داستانی برخی دیگر از افسانه‌ها محکم و استوار و دارای پیرنگ منطقی است (حکایت ۴۳). در این قبیل افسانه‌ها حتی برخی از تکنیک‌های داستان‌نویسی جدید را می‌توان مشاهده کرد مانند جریان سیال ذهن و واگویه‌های ذهنی اشخاص داستان (حکایت ۳۰).

ویژگی‌های دستوری و زبانی

به جز حکایت‌هایی که زبان مصنوع و متکلف دارند و آشکارا از متون مکتوب نشر فنی اقتباس شده‌اند، در سایر حکایت‌های این مجموعه می‌توان برخی خصوصیات دستوری را دریافت که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. آوردن ساختی از فعل که از ترکیب می + صفت مفعولی + صیغه‌های مختلف فعل باشد درست شده و معنی مضارع اخباری، التزامی و امری دارند. به این نمونه‌ها توجه کنید:
معنای مضارع التزامی: کار می‌کرده باشد (= کار بکند)؛ تماشا کرده باشی (= تماشا بکنی)
معنای مضارع اخباری: به خدمت می‌رفته باشی (= به خدمت می‌روی)؛ خدمت می‌کرده باشم (= خدمت می‌کنم).

۲. آوردن مصدرهای جعلی: رفاهیت به جای رفاه، هلاکیت به جای هلاک.
۳. مطایقه عدد و محدود به تقلید از زبان عربی: سه نفر پسران.
۴. جمع بستن جمع های مکسر عربی: عجایب ها؛ نوادها.
۵. آوردن ضمیر ماها به جای ما.
۶. یک ساخت نادر از صفت تفضیلی، بسوزتر (= سوزناک تر)؛ به زارتر (= دردناک تر).
۷. ساخت های کهن فعل به شرح زیر:
- آوردن «ی» در آخر گذشته ی ساده: یگانه ی عصر بودی و پدر او را بسیار دوست داشتی (داشت).
- آوردن «می» در آخر فکر فعل گذشته ی استمراری: ای کاش تو را ندیدمی (= نمی دیدم).
- آوردن «ی» در آخر فعل ماضی استمراری: هرکه را بر سر زدی تا کمر بشکافتی (می شکافت).
۸. آوردن این و آن معرفه ساز با فاصله از کلمه ی معرفه:
- در این سر کوی (= در سر این کوی)
- آن در قصر (= در آن قصر)
۹. آوردن ضمیر جاندار برای فاعل بیجان.
۱۰. آوردن کسره ی اضافه بصورت «ی» پسری ناخلفی (= پسر ناخلفی).
۱۱. کاربرد برخی ترکیب های فارسی زیبا: دریایی شدن (= طوفان زده شدن)؛ گمان زده (= مشکوک)؛ نیازبازی (= دلبری کردن)؛ سازندگی (= توانندگی).

اصطلاحات و عبارات زبان گفتاری

از ویژگی های ارزشمند این کتاب، کاربرد فراوان عبارات و گفته های است که مردم کوچه و بازار آن ها را به شکل های گوناگون در زندگی روزمره ی خویش به کار می برند و مؤلف یا راوی آن ها را به زیبایی در متن داستان ها و حکایت ها گنجانده است. برخی از این عبارات که کاملاً جنبه ی گفتاری دارند عبارت اند از: توبه خیر و ما به سلامت (حکایت ۴۳)، جان تو جان فلاحی (حکایت ۴۴)، برو تا برویم (حکایت ۳۰)...

گروهی از این اصطلاحات از زمره ی ترکیب های کنایی هستند که در زبان گفتگو کاربرد فراوان یافته اند، از جمله: به ریش کسی خندیدن (حکایت ۴۵)، نفس چاق کردن (حکایت ۳۳)، گل از گل کسی شکستن (حکایت ۲۸).

همچنین در افسانه های این کتاب تعداد زیادی دشنام به چشم می خورد، چه درباره ی هارون الرشید که مؤلف او را علیه الله می خواند (حکایت ۳)، و چه خطاب به سایر اشخاص داستان که با کلماتی نظیر ناکس، خانه خراب، بی مروت، نامرد، ملعونه، گیسورده، از سنگ کمتر و... تحقیر می شوند. تعداد دعاها و نفرین ها هم کم نیست. هم چنین مثل های بسیاری در متن آمده که خود نیازمند بررسی جداگانه ای است. به چند مورد اشاره می کنیم: نان و نمک خوردن و نمکدان شکستن، با ریمان کسی به چاه رفتن، دنبه را به گرگ سپردن، کبوتر با کبوتر باز با باز... بر باد رود هرآنچه از

باد آید، ...

تلاش ما بر این بوده که همه این موارد استخراج و در نمایی عمومی کتاب نشان دهیم.

روش تصحیح

در تصحیح و بازنویسی متن حاضر نکاتی اعمال شده است که آگاهی از آن‌ها خوانندگان را در دریافت متن و ارتباط با آن یاری خواهد کرد.

۱. غلط‌های املائی در متن تصحیح شد و صورت نادرست بلافاصله در پرانتز آمده است: خواجه (خاجه).

۲. در بسیاری موارد «و» ربطی به صورت کاملاً اضافی در جملات به کار رفته که آن‌ها را حذف کردیم.

۳. زمان افعال تصحیح و در پرانتز صورت نادرست متن ذکر شده است: آن‌ها آمدند (بیایید).

۴. کلمات مکرر و پشت سرهم حذف و در پاورقی به تکراری بودن آن‌ها اشاره شده است.

۵. برخی کلمات با شکل گفتاری‌شان در متن آمده‌اند که به همان صورت اصلی حفظ شد: بفادار (= وفادار)، رفتن (= رفتند).

۶. اشتباهات تاریخی و تناقض‌های محتوایی در پاورقی توضیح داده شده است.

۷. افتادگی‌ها و کلمات ناخوانای متن تا حد امکان با قیاس و گمان تصحیح و در قلاب ذکر شده‌اند. در مواردی که تشخیص افتادگی‌ها مقدور نبود آن‌ها را با... نشان داده‌ایم.

۸. در مواردی که فاعل جمله ذکر نشده و ممکن است موجب سردرگمی خواننده شود آن را در قلاب آورده‌ایم.

۹. کلمات و حروفی که مصححان برای روانی و درستی به متن افزوده‌اند نیز در قلاب آمده است: شب [و] روز.

از داستان‌های این مجموعه روایت‌های مشابهی در منابع کتبی و شفاهی وجود دارد که در سطور زیر به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. از داستان اول روایت‌هایی شفاهی با عنوان «هفت جفت کفش آهنی، هفت تا عصای آهنی» در گوشه و کنار ایران ثبت شده است. مارزلف به سه روایت آن اشاره کرده است.^۱

۲. از داستان ششم، درویش ادهم، روایت‌های شفاهی فراوانی به‌ویژه در شرق ایران رایج است. داستان‌گویان و دوبارنوازان شرق ایران، این داستان را با نواختن دوتار نقل می‌کنند. از جمله نوازندگانی که این داستان را نقل می‌کنند می‌توان به نورمحمد دُرپور اشاره کرد.

۳. از داستان هشتم، شهر بنفش‌پوشان، روایتی را نظامی گنجوی در هفت‌پیکر و درضمن گنبد مشکین از زبان «دختر ملک اقلیم اول»^۲ و روایت دیگری را امیر خسرو دهلوی در «هشت‌بهشت» و در

۱. طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی، ص ۱۵۷-۱۵۸.

۲. خمسه‌ی نظامی، ص ۷۶۶-۷۸۷.

گند بنفش نقل می‌کنند.^۱ این داستان با شرح و تفصیل بیشتر در «داستان ملک جمشید و طلسم حمام بلوره»^۲ نیز آمده است.

۴. داستان دهم، گل و هرمز، بازنویسی منظومه‌ی «خسرونامه» منسوب به فریدالدین عطار نیشابوری است.

۵. داستان یازدهم، بهرام و گلندام، بازنویسی منظومه‌ای به همین نام اثر امین‌الدین صافی است. روایتی شفاهی از این داستان در شهرستان ساوه ثبت شده است.

۶. از داستان پانزدهم، سلیم جوهری با ...، روایت‌های شفاهی فراوانی در گوشه و کنار ایران و یک روایت نیز در هرات افغانستان ثبت شده است. این داستان در سده‌های گذشته به زبان‌های ترکی و عربی نیز ترجمه شده است.^۳

۷. از داستان هجدهم، جهان‌افروز دختر پادشاه چین و ...، دو روایت کتبی در ادبیات رسمی ما وجود دارد؛ یکی در الهی‌نامه عطار نیشابوری^۴ با عنوان «زن پارسا» و دیگر در طوطی‌نامه.^۵ روایت طوطی‌نامه هم در ایزودهای آن و هم در پایان‌بندی اختلافاتی با روایت عطار و نیز روایت کتاب حاضر دارد. دو روایت شفاهی از این داستان در رودبار الموت و گچساران ثبت شده است.^۶ این داستان به‌صورتی دیگر در حکایت سی و چهارم، پادشاه‌زاده‌ی ایران و در خواب دیدن ...، و نیز بخشی از حکایت چهل و دوم، موش و گرگ، تکرار شده است.

۸. از داستان بیستم، در قصه‌ی پسر پادشاه کرمان و ...، روایتی در جوامع‌الحکایات عوفی آمده^۷ و چند روایت شفاهی نیز از آن در ایران ثبت شده است.^۸

۹. داستان بیست و یکم، خوریروز و فرخ‌روز ... مانند داستان نوزدهم بی هیچ تغیر قابل توجهی از باب هشتم فوائدالسلوک نقل شده است.^۹

۱۰. داستان‌های بیست و ششم و بیست و هفتم و سی و پنجم تا چهارم از طوطی‌نامه بازنویسی شده‌اند.^{۱۰} از داستان ۳۶ روایتی با اندکی اختلاف در کلیله و دمنه وجود دارد^{۱۱} و از داستان چهارم نیز روایتی در جامع‌التمثیل آمده است.^{۱۲}

۱۱. داستان بیست و نهم، تلخیصی از روایت غیرمصنوع بختیارنامه است.

۱۲. از داستان سی و دوم، ابوالفوارس ملاح و در چاه ...، دو روایت شفاهی ثبت شده است.^{۱۳}

۱۳. از داستان سی و سوم، پسر پادشاه مشرق و دختر پادشاه مغرب و سیمغ و ...، چند روایت کتبی

۱. خمسه‌ی امیر خسرو، ص ۶۶۷-۶۵۰. ۲. ملک جمشید، نقیب‌الممالک.

۳. ر.ک: دو روایت از سلیم جوهری، ص ۵۴-۵۳، جعفری (قنوتی)، انتشارات مازیار.

۴. الهی‌نامه، ص ۳۸۲۷. ۵. طوطی‌نامه، ص ۳۳۶.

۶. افسانه‌هایی از گوشه و کنار ایران، محمد جعفری (قنوتی)، ص ۹۴-۸۱.

۷. جوامع‌الحکایات، جلد اول از قسم سوم، ص ۸۶.

۸. قصه‌های مردم ایران، ص ۴۱۰، قصه‌های مردم کازرون، ص ۳۱، طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی، ص ۱۶۹-۱۷۰.

۹. فوائدالسلوک، ص ۵۲۱-۵۲۶.

۱۰. طوطی‌نامه، صص ۶۹، ۲۲۴، ۱۳۲، ۲۱۸، ۲۱۲، ۸۲ و ۶۲.

۱۱. کلیله و دمنه، ص ۲۱۷. ۱۲. جامع‌التمثیل، ص ۶۲.

۱۳. افسانه‌ها و مثل‌های کردی، ص ۶۲.

وجود دارد که عبارتند از: الف) روایتی بسیار مختصر در مجمل‌التواریخ و القصص.^۱ ب). روایتی مختصر در تفسیر سورآبادی ذیل سورهی نمل.^۲ ج) روایتی مشروح و مفصل در یک نسخه‌ی خطی مربوط به اوایل نیمه‌ی دوم سده‌ی ششم.^۳ چند روایت شفاهی نیز از آن در نقاط مختلف ایران ثبت شده است که از جمله می‌توان به روایت مشدی گلین‌خانم^۴ و روایت‌های خراسان و کازرون^۵ اشاره کرد. یک روایت شفاهی نیز در افغانستان ثبت شده است.^۶

۱۴. داستان چهل و دوم، موش و گربه و گرفتن گربه و موش را و... در کلیات شیخ بهایی نیز نقل شده است.^۷

۱۵. داستان چهل و سوم، دل‌های مختار... در هزار و یک شب آمده^۸ و روایتی شفاهی از آن در استان مرکزی ثبت شده است.^۹

۱۶. از داستان چهل و پنجم روایتی در هشت‌بهشت امیرخسرو دهلوی آمده است.^{۱۰}

۱۷. داستان چهل و ششم در حقیقت تلخیص سندبادنامه‌ی ظهیری سمرقندی است با همان نثر و همان چارچوب، الا این که مؤلف جامع‌الحکایات خطبه‌ی کتاب و بیشتر اشعار عربی آن را حذف کرده است.

در پایان این مقدمه یادآوری این نکته را ضروری می‌دانیم که در سال ۱۳۸۰، کتابی با عنوان قصه‌ی هزارگیسو به اهتمام آقای سیدعلی رضوی بهابادی منتشر شد که حاوی ۹ حکایت از جامع‌الحکایات استان قدس است. آقای بهابادی با دقتی شایسته اقدام به تصحیح حکایت‌ها کرده است.

۱. مجمل‌التواریخ و القصص، ص ۲۱۰.

۲. تفسیر سورآبادی، ج ۳، ص ۱۷۶۲-۱۷۶۴ و نیز قصص قرآن مجید، به اهتمام اصغر مهدوی، ص ۲۸۱.

۳. لغات شرقیه، مصطفی موسوی، نامه‌ی فرهنگستان، شماره‌ی ۳۵، ص ۷۲-۵۵.

۴. قصه‌های مشدی گلین خانم، ص ۳۲۱.

۵. افسانه‌های خراسان، ج ۷، ص ۲۳۱ و قصه‌های مردم کازرون، ص ۲۶۷.

۶. افسانه‌های دری، ص ۲۰۴.

۷. کلیات شیخ بهایی، ص ۱۰۱.

۸. هزار و یک شب، ج ۵، ص ۹۲-۶۸.

۹. قصه‌های مردم، ص ۳۷۷ و شرفات، ص ۲۶۵.

۱۰. خمسه‌ی امیرخسرو، ص ۶۳۶-۶۵۰.